

دشت میناب در دوران اسلامی؛ با اتکا به مدارک به دست آمده از فاز نخست بررسی‌های باستان‌شناختی دشت میناب

(بخش ۱)

سیامک سرلک

باستان‌شناس پژوهشکده باستان‌شناسی.

Sarlak_siamak@yahoo.com

شیرین عقیلی

باستان‌شناس عضو هیئت بررسی‌های باستان‌شناسی میناب.

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۷

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۳

چکیده

بررسی‌های باستان‌شناختی دشت میناب و رودان به سرپرستی سیامک سرلک، باستان‌شناس پژوهشکده باستان‌شناسی از زمستان ۱۳۸۱ آغاز شد و به مدت دو فصل ادامه یافت. فاز نخست بررسی‌های دشت میناب، مطابق با اهداف بررسی، محدود به بررسی و شناسایی آثار تاریخی - فرهنگی بخش مرکزی شهرستان میناب بود. در بخش مرکزی شهرستان‌ها عموماً بیش‌ترین دخل و تصرف‌های انسانی که ناشی از توسعه فعالیت‌های اقتصادی - صنعتی و خدمات اجتماعی شهری است، صورت می‌گیرد و حاصل آن ایجاد دگرگونی‌های کاملاً مشهود در چهره توپوگرافی اولیه این مناطق و به تبع آن وارد شدن آسیب‌های فراوان به آثار تاریخی - فرهنگی است. به همین سبب بررسی‌های باستان‌شناختی که در بخش‌های مرکزی شهرها انجام می‌شود، عموماً با چالش‌های زیادی روبه‌رو است و غالباً بخش مهمی از آثار تاریخی فرهنگی، به علل پیش گفته از بین رفته و یا در زیر ساخت‌وسازهای شهری قرار گرفته‌اند. در فصل نخست بررسی‌های دشت میناب تلاش شد تا اشراف کاملی نسبت به شناخت بقایای آثار تاریخی - فرهنگی بخش مرکزی شهرستان میناب حاصل شود که نتیجه آن شناخت و ثبت بیش از ۸۰ اثر تاریخی - فرهنگی متعلق به هزاره سوم ق م تا پایان دوره قاجاریه است. این نوشتار صرفاً به مطالعه، پژوهش، و معرفی آثار دوران اسلامی در بخش مرکزی دشت میناب در فصل نخست بررسی‌های باستان‌شناسی دشت میناب می‌پردازد. مناطق میناب و رودان، به سبب واقع شدن در کرانه و پس‌کرانه خلیج فارس و آبراهه حیاتی و استراتژیک آن یعنی تنگه هرمز، در طول تاریخ هم از منظر تاریخی - فرهنگی و هم سیاسی - اجتماعی و البته اقتصادی از اهمیت و جایگاه بسیار مهمی برخوردار است، به‌ویژه در برقراری ارتباطات فرهنگی (از بعد درون منطقه‌ای و بین‌المللی) بین مناطق و حوزه‌های مختلف فرهنگی فلات ایران با سواحل جنوبی و جنوب غربی خلیج فارس و هم‌چنین با کشورهای هند، چین، پاکستان و در مقاطع تاریخی دوران اسلامی با سواحل مدیترانه. حوزه فرهنگی خلیج فارس به عنوان معبر توسعه فرهنگی فلات ایران، به‌ویژه از هزاره سوم ق م به بعد، دست‌آوردهای فرهنگی فلات ایران (به‌ویژه حوزه‌های فرهنگی جنوب شرق، هلیل‌رود جازموریان، و جلگه فارس) را به سواحل جنوبی خلیج فارس منتقل می‌کرده است. با اتکا به اسناد و مدارک باستان‌شناختی و تاریخی، این روند در دوران پارت و ساسانی و هم‌چنین دوران اسلامی همچنان ادامه یافته است. وجود سبک‌ها و سنت‌های هنری و تکنیک‌های صنعتی در قالب اشیای گوناگون و هم‌چنین دیگر نمونه‌های فرهنگی فلات ایران در مناطق جنوبی خلیج فارس مؤید این نظر است.

مهم‌ترین هدف فاز نخست بررسی‌های باستان‌شناختی دشت میناب، شناسایی عمومی کلیه آثار فرهنگی برجای‌مانده بود. هدف دوم در راستای تهیه و تدوین نقشه باستان‌شناسی کشور، تعیین دقیق آثار شناسایی‌شده بر روی نقشه ۱/۲۵۰۰۰ و ارائه آن به گروه نقشه پژوهشکده باستان‌شناسی بود. هدف سوم نیز تهیه پرونده ثبتی آثار فرهنگی‌ای بود که قابلیت و ظرفیت ثبت در فهرست آثار ملی را داشتند. در کنار این اهداف، اهداف پژوهشی (هدف چهارم) نیز همواره مد نظر بود. بررسی‌ها عموماً پیمایشی انجام شد.

واژه‌های کلیدی

بررسی باستان‌شناسی، دشت میناب، سفال اسلامی.

موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی میناب

شهرستان میناب به انضمام هفت شهرستان دیگر به نام‌های بندر عباس، بندر لنگه، قشم، ابوموسی، رودان، حاجی‌آباد (سعادت‌آباد) و جاسک بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، استان هرمزگان را تشکیل می‌دهند.

این شهر در پانزده کیلومتری ساحل شمالی دریای عمان و درحاشیه شرقی رود میناب قرار دارد. استان هرمزگان ابتدا در سال ۱۳۳۹ با تصویب مجلس شورای ملی به نام «فرمانداری کل بنادر و جزایر دریای عمان» نامیده شد و سپس در سال ۱۳۴۶، فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (بوشهر) با فرمانداری کل بنادر و جزایر دریای عمان (بندر عباس) ادغام شد و اولین استان را در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان به نام «استان ساحلی» تشکیل دادند.

چندی بعد نام هرمزگان به مناسبت نام تاریخی هرمز و به لحاظ اهمیت استراتژیک تنگه هرمز و موقعیت جغرافیایی آن، بر این استان گذاشته شد و بدین ترتیب استان ساحلی به دو استان جداگانه امروزی، یعنی استان هرمزگان به مرکزیت بندرعباس و استان بوشهر به مرکزیت بوشهر، تقسیم شد (خاندانی، ۱۳۷۹: ۸-۹).

در باره وجه تسمیه هرمز آمده است که: هرموز حتماً باید با «واو» نوشته شود، زیرا قسمت اول آن «هور» به معنی «خور» یا خلیج و جزء دوم آن «موز/ موغ» نام ولایت موغستان (میناب و اطراف آن و موغستان = نخلستان) است (نویسی، ۱۳۸۱: ۴). نام هرمز را علاوه بر «هرموز» می‌توان به صورت «هرموج» یا «ارموس» نیز در بعضی از اسناد مکتوب یافت و حتی آن را برگرفته از واژه «ارمزد» یا «هورمزد» به معنی خدای یگانه و یا سرور دانا دانسته اند (خاندانی، ۱۳۷۹: ۸).

همان‌طورکه در بالا آمد کلمه «هرمز» یا «هرموز» به بخشی از نواحی ساحلی اطلاق می‌شده که دارای نخلستان‌های وسیع بوده است و امروزه آن را با نام میناب

می‌شناسیم. در واقع دو کلمه هرموز و میناب چه در متون مختلف به جا مانده از قرون گذشته، از جمله یادداشت‌های مورخان و توصیفات سیاحان و سفرنامه‌ها و چه در گزارش‌های علمی اخیر در موضوع جغرافیا و تاریخ منطقه، نام‌هایی عجیب و همراه بوده اند. جزء اول کلمه «هرمز» با کلمه «مینا» به معنی «خور» هم‌معنی بوده و جزء دوم این کلمه نیز به معنی نخلستان است که به میناب و اطراف آن اطلاق می‌شده است.

آنچه که امروزه با نام دشت میناب می‌شناسیم در روزگارانی با نام هرمز شناخته می‌شده است. تا آنجا که گروهی شهر و بندر هرمز قدیم را همان شهر و بندر میناب می‌دانند. ارائه نظر قطعی و علمی در باب صحت این ادعا هدفی است که در طی بررسی‌های باستان‌شناسی دشت میناب دنبال می‌شود. اما آنچه که مسلم و واضح است، آن است که دشت میناب امروزی و هرمز قدیم، منطبق بر یک عرصه فرهنگی و جغرافیایی نسبتاً وسیع بوده است و در طی قرون دستخوش حوادث و تحولات و تغییرات نسبتاً یکسان شده اند، تا آنجا که غور و جستجو در تاریخ و فرهنگ هر یک ما را به سوی شناخت و تفحص در دیگری رهنمون می‌شود.

تا اوایل قرن هشتم هجری/ چهاردهم میلادی نام هرموز به بندری اطلاق می‌شد، در نزدیکی مصب رودخانه رودان یا میناب در نزدیکی بندر میناب امروزی (رودخانه میناب در منابع ایرانی و یونانی به نام‌های رودخانه رودان و رودخانه آنامیس نیز معروف است). بعضی محل هرمز کهنه را دقیقاً میناب امروزی می‌دانند. چنان‌که لسترنج در کتاب *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی* آورده است: هرمز کهنه یعنی هرمزی که در درون خشکی واقع بود، تا ساحل دریا ۲ قاصد، یعنی نصف روز راه فاصله داشته و به قول اصطخری در کنار باریکه‌ای از خلیج فارس که کشتی‌ها از دریا به

آنجا رفت و آمد می کردند و آبجیر نامیده می شد، واقع بود. خرابه های این شهر هنوز در محلی که آن را «مناب» و معمولاً «مناو» گویند دیده می شود (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۴۰).

طبق متون سومری و اکدی رفت و آمد بازرگانی خیلی پیش تر از این تاریخ یعنی از اوایل هزاره سوم پیش از میلاد در خلیج فارس برقرار بوده است. این متون نشان می دهد که از این راه مردم بین النهرین مس و چوب، عاج، سنگ های قیمتی و حتی پیاز وارد می کرده اند. در نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد آشوریان از همین راه برای کارهای بازرگانی خود استفاده می کردند.

خلیج فارس که متقدمان آن را با اقیانوس هند و بحر احمر روی هم «ایروتریا» یا «اریتره» می نامیدند، نزدیک ترین راه وصول به مشرق زمین از طریق دریا به شمار می آید. بنا بر گفته «بروسوس» کلدی توسط دو پیکری که یک نیمه آن انسان و نیمه دیگر آن ماهی است و از دریای اریتره آمده، معمور و آباد شده و مردم کلدی به وسیله او آداب زندگی را فرا گرفته اند. نام این دو پیکر «آعانس» احتمالاً همان «آآ» خدای آب ها بوده که بلا شبهه مشتق از نام «ایا» یا «آآ» الهه کلدانیان است.

تاریخ قریب به یقین دریانوردی در خلیج فارس تقریباً از اواخر قرن ۸ ق م شروع می شود. یعنی از زمانی که سناخریب به پناهندگان جزایر خلیج حمله کرد و به وسیله کشتی هایی که فینیقی ها برای او ساخته و از مدیترانه آورده بودند برای سرکوبی آنها عزیمت کرد (ویلیمسون، ۱۳۵۱: ۱۴۲).

شهر میناب امروزی که بر دامنه ها بنا شده است، بیلاق شهر و بندر هرمز کهنه بوده است که در شرایط نامساعد جوی، مردم به آن منطقه می رفتند.

از گفته های مارکوپولو درمی یابیم که امیر هرمز در قید اطاعت حکمرانان کرمان محسوب می شده، لیکن اغلب،

خراج مقرر را نمی پرداخته است. هم چنین امیر هرمز ساحل عرب و بندرگاه کلهات را تحت نفوذ داشته است. از قرار معلوم در اینجا سلسله ای عربی الاصل حکومت می کرده است چرا که نام مؤسس سلسله «محمود کلهاتی» بوده است (بارتولد، ۱۳۰۸: ۵۰).

وی توضیح می دهد: تجارت خارجی ایران که در دوره سلجوقی فراتر از مرزهای جهان اسلام رفته بود، با هجوم مغولان ضربه شدیدی خورد. در سال ۷۰۱ ق (۱۳۰۱/۱۳۰۲ م) میربهاءالدین ایاز، پانزدهمین نفر از ملوک هرموز، چون نتوانست در برابر حملات مغولان پایداری کند، شهر هرموز را در ساحل خلیج فارس ترک کرده و به جزیره جرون که در روبه روی بندر هرموز و در سه فرسخی آن قرار داشت، پناه برد. این انتقال را در ۷۱۵ ق دانسته اند (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۴۱-۳۴۲). شهر هرموز که دیگر صاحب و مالکی نداشت اندک اندک از پای درآمد. در اینجا لازم به ذکر است که در واقع اوج پیشرفت اقتصادی - تجاری هرمز کهنه از زمان سلجوقی تا این زمان یعنی حکومت ایلخانی بود که علت اصلی آن، مسدود بودن راه زمینی به علت جنگ های سلاجقه و بیزانس بوده است.

ظاهراً اولین اروپایی که از بندر جدید هرموز در جزیره جرون دیدن کرده است اودریک دو پرودون، کشیش ایتالیایی است که در راه رفتن به هندوستان و چین از این بندر دیدار کرده است (حدود ۷۲۱ ق / ۱۳۲۱ م). ابن بطوطه طنجی حدود ده سال بعد از پرودون این بندر را دیده است.

بندر هرمز کهنه و سپس جزیره هرمز و در قرون متأخر بندر میناب از اهمیت شایانی برخوردار بوده اند. تا جایی که تسلط بر آنها از اهداف کلیه نیروهای قدرتمند مسلط بر منطقه به حساب می آمده است. با آنکه امروزه محدوده و گستره دشت میناب (هرمز) را به درستی می دانیم

اما موقعیت‌یابی بندر و شهر هرمز کهنه در ساحل خلیج فارس - که در اعصار جدیدتر میناب نقش سیاسی - اقتصادی آن را بر عهده گرفته است - حائز اهمیت است.

در این راستا تحلیل داده‌های مکتوب، همزمان با بررسی‌های باستان‌شناسی منطقه و تطبیق داده‌های باستان‌شناسی از محوطه‌های مورد شناسایی با اسناد نوشتاری، می‌تواند راهگشای ارائه تصویری دقیق و روشن از آن و مکان‌یابی بندر هرمز کهنه و همچنین بازسازی تصورات گاه مخدوش از دشت میناب و موقعیت سیاسی - اجتماعی - اقتصادی آن در اعصار گوناگون باشد.

ویژگی‌های جغرافیایی و زیست‌محیطی دشت میناب

استان هرمزگان به صورت باریکه‌ای از شمال غربی به طرف جنوب شرقی در جنوب ایران و در سواحل شمالی دریای عمان و خلیج فارس بین $24^{\circ} 20'$ تا $28^{\circ} 57'$ عرض شمالی و $41' 53^{\circ}$ تا $15' 59^{\circ}$ طول شرقی و مسلط بر تنگه هرمز قرار دارد.

شهرستان میناب در طول جغرافیایی $56' 4'' 55^{\circ}$ و $27' 7'' 40^{\circ}$ دارای $6878/5$ کیلومتر مربع وسعت است که معادل $10/3$ درصد از کل مساحت استان است که بعد از بندر عباس ($19/9$ درصد)، بندر لنگه ($22/5$ درصد)، جاسک ($24/2$ درصد)، و حاجی‌آباد ($16/4$ درصد) پنجمین شهرستان بزرگ استان است.

شهرستان میناب در حاشیه ساحل شمالی تنگه هرمز قرار دارد که از شمال به استان کرمان و شهرستان رودان و از شرق به جاسک و از غرب به بندر عباس محدود می‌شود. بخش شمالی و شمال شرقی آن را عوارض طبیعی ارتفاعات و دامنه جنوبی‌اش را کرانه دریای عمان در بر گرفته است. تنگه رودان در شمال غربی شهرستان ارتباط شمال میناب را با مناطق شمالی‌تر و معبر جنوبی (میناب - بشاگرد) ارتباط منطقه را با فرهنگ دره سند برقرار می‌کرده

است. همچنین جاده کهن میناب - بندر عباس نیز دشت خوزستان (سوزیانا) و میان‌رودان را به دشت میناب پیوند می‌داده است. امروزه نیز راه‌های کهن شهرستان با اندک تغییری معتبرترین جاده‌های میناب محسوب می‌شوند.

قرارگیری شهرستان میناب در عرض جغرافیایی نزدیک به منطقه حاره و بارش متوسط آن که حد اکثر 24 میلی‌متر در سال است، از عوامل مهمی است که مردم منطقه را همواره نگران کم‌آبی و خسارت دیدن محصولات زراعی می‌سازد، تا جایی که به شکل‌گیری مراسم ویژه «در طلب باران» انجامیده است.

جریان هوای مدیترانه‌ای که از شمال غرب وارد نجد ایران می‌شود، تأثیر زیادی بر بارش زمستانی منطقه دارد. توده هوایی سیبری و جبهه‌های عربستان و اقیانوس هند نیز بر آب و هوای منطقه مؤثر است. در فصل نخست بررسی‌های باستان‌شناسی دشت میناب با بررسی ساحل رود میناب تا رودخانه حسن‌لنگی، 7 حوزه سیلابی وسیع تشخیص داده شد که حاصل رسوب‌گذاری رودخانه‌ای و عقب‌نشینی دریاست و 4 تراس را در ساحل به وجود آورده است.

در شهرستان میناب طول دشت در حدود 150 کیلومتر و عرض نسبی آن 25 کیلومتر است. با این گستردگی، دشت میناب از مهم‌ترین دشت‌های ساحلی جنوب ایران به شمار می‌آید که دارای پتانسیل‌های بالقوه از نظر اکوسیستم است. مهم‌ترین رودخانه منطقه، رود میناب است. رودخانه میناب در طی مسیر خود از لایه‌های زمین-ساختی «گابروی بند زیارت» گذشته و سپس از لایه‌های سنگ‌های آهکی دورکان و لایه‌های ائوسن عبور می‌کند و قبل از آنکه رودخانه منوجان به جویبارهای غیر قابل کنترل برسد، به سمت شمال غربی می‌پیچد (Mccall, 1985: 29). با پیوستن رود جغین که با جهت شرقی - غربی به رود میناب پیوند می‌خورد، آب این رودخانه طغیانی در

پشت سد میناب ذخیره می‌شود و آب آشامیدنی و کشاورزی منطقه میناب و بندر عباس را تأمین می‌کند. مسیل‌های فصلی عمدتاً به مسیل بزرگ نمکی در قسمت جنوبی دهستان گوربند وارد شده و سپس بعد از گذشتن از مسیل شوره‌زار نمکی یا به رودخانه غربی شهرستان میناب (رودخانه حسن‌لنگی) می‌ریزد و یا به صورت خورهایی به خلیج فارس و عمان می‌پیوندد.

عمده‌ترین خوره‌های شهرستان میناب از شرق به غرب، عبارت‌اند از خور کربان، چالاک، کوهستک، کرگان، چاه خان (مشمتمل بر حوزه‌های لشگری، دولتگان، کوئی، غلام‌کش، سی پری یاری، کلاهی)، پراو، و تیاب کالنگ. مسلماً رودخانه میناب در گذشته مسیرهای دیگری داشته که دامنه آنها تغییر می‌یافته است. این تغییر مورفولوژیکی تأثیری اساسی در شکل‌گیری استقرارهای دوران تاریخی و اسلامی داشته‌اند.

نهشته‌های ساحلی مشتمل بر رس و ماسه و سیلت و شوره‌زار است که صدف‌های دریایی را به همراه خود دارند. به غیر از نهشته‌های ساحلی، دامنه‌ها و ارتفاعات منطقه تا دامنه کوه زندان از نظر سنگ‌شناسی (لیتولوژی) و سازندهای زمین‌شناختی متفاوت هستند.

حوضه پست ساحلی

حوضه پست ساحلی از نظر زمین‌شناختی در محدوده کوه‌های شمالی است و بخش خارجی این کوه‌ها به حساب می‌آید و از نظر سنگ‌شناسی شامل گونه‌های سنگ‌های آهکی و رسی و سیمانی است. سطوح سنگ‌ها به علت هوازدگی و رطوبت تغییر رنگ یافته و اکسیده شده‌اند.

در امتداد مسیل‌ها (با وجود کیلومترها پیشروی در دشت) بستر رودخانه‌ها مملو از قلوه‌سنگ‌های متفاوت از لحاظ جنس و اندازه است. این سنگ‌ها که توسط جریان

آب از فواصل دور حمل شده‌اند، حاصل فرسایش لایه‌های زمین‌ساختی دوران دوم و سوم زمین‌شناسی‌اند. پراکندگی آنها در بستر مسیل‌ها و شاخه‌های جانبی رودها به عنوان یکی از مصالح معماری بومی در پی‌سازی مورد استفاده است.

فضاهای باقی‌مانده بین مسیل‌ها در سطح دشت به صورت پشته‌هایی کم‌ارتفاع هستند که نسبت به بستر رود ۲ تا ۶ متر مرتفع‌تر هستند. این پشته‌های ساحلی از نوع Flat Plain هستند که استقرارهای منطقه بر روی آنها صورت گرفته است.

امتداد مسیل‌ها و شعبات آنها در عمق و زیر زمین تا مسیل بزرگ نمکی از شرق به غرب ادامه می‌یابند. این مسیل نمکی در گذشته خور بزرگی بوده است و اکنون شوره‌زاری است که کم‌ترین پتانسیل زیستی را نسبت به پشته‌های زراعی دارد. تداوم جریان آب بعد از عبور از لایه زیرین شوره‌زار نمکی در حوالی روستای دهو، بلبل‌آباد، و شمال تیاب به صورت چشمه‌هایی نمایان می‌شود که دهانه آنها، هم‌افق محل عبور مسیل‌ها در زیر شوره‌زار نمکی است. حاشیه شمالی مسیل نمکی سومین لبه تراس پستری دریاست که در شمال و شرق آن به سمت کوهپایه دو تراس دیگر وجود داشته است. تشخیص امتداد کناره تراس‌ها به سبب فرسایش و تسطیح زراعی تا حدودی مشکل به نظر می‌رسد.

در جنوب مسیل نمکی نهشته‌های جدیدتر ساحلی (ماسه، رس، و سیلت) به همراه قطعات شکسته صدف دریایی تا سواحل تداوم یافته است. امتداد باقی‌مانده مسیل‌های گذشته که در مسیرشان تغییر صورت پذیرفته، زمین‌های پست را شامل می‌شود که فروافتاده‌تر از پشته‌های خاکی هستند. این چاله‌ها پوشیده از گونه‌های گیاهان شوره‌زاری، گز، تاغ، و... هستند. نهشته‌های کواترنری در منطقه میناب را در منطقه دم‌شهر می‌توان

مشاهده کرد که از دامنه تا ساحل را در بر می‌گیرد.

بخش شمالی و شمال شرقی شهرستان میناب را ارتفاعات در بر گرفته است. حداکثر ارتفاع قله کوه‌ها به ۱۰۰۰ متر بالاتر از سطح دریا می‌رسد. عمده‌ترین این ارتفاعات عبارت‌اند از کوه زندان که مرتفع‌ترین منطقه را تشکیل می‌دهد و کوه کلوک، خاکو، گذارانجیر، خارو، دالونان (دالانو)، دره محمدی، کوه سفید راونگ، کوه سفید بار شهداری، کوه شهوار، پالانی، و قسمتی از کوه‌های بشاگرد در شمال بخش بیابان شامل کوه‌های پونیکن، سیبا، بردست، گور کوه، و دیلم.

گنبدهای نمکی

گنبدهای نمکی (سازند هرمز) که پایین‌ترین لایه‌های زمین‌ساختی منطقه هستند در واقع لایه‌هایی هستند که سبب شوری آب رودخانه می‌گردد. با نفوذ لایه نمکی در تاقدیس و ناودیس‌های ارتفاعات، زمینه شوری آب‌هایی که در امتداد آنها جریان می‌یابند قبلاً فراهم شده است. این سازند متشکل از سنگ‌های نمکی و تبخیری است که قدیمی‌ترین سنگ‌های تبخیری در ایران به شمار می‌رود.

در فاصله دو رودخانه حسن‌لنگی و رودخانه میناب، رودخانه‌های دیگری از جمله سودر، چاه شیرین، کرین، آب کهور، دالانو، مهنو، و رود دره عبدالله قرار دارند. اکثر رودخانه‌ها از دامنه‌های کوه زندان سرچشمه می‌گیرند و بعد از عبور از جلگه رسوبی به تنگه هرمز می‌ریزند. هر رودخانه دارای دره‌ای است. مجموعه این فرورفتگی‌ها و برجستگی‌ها ناشی از فرسایشی است که بر اثر ریزش‌های جوی و جریان‌های آبی صورت پذیرفته‌اند و چهره تاقدیس میناب را که خود بر اثر حرکت تکتونیکی حادث شده به سیما و پیکر کنونی مبدل کرده است.

مخروط‌افکنه هر رودخانه در خروجی آن قرار می‌گیرد و به سبب نزدیکی خروجی‌های رودخانه‌ها

مخروط‌افکنه‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند و به هم پیوسته می‌شوند و تشکیل یک گلاسی (Glacis) یا «دشت سر» می‌دهند. دشت سر تراکمی از مواد رسوبی فرسایش یافته است که به مرور زمان بر ضخامت آن افزوده شده است. رودخانه‌های جوان‌تر، سطح دشت را کاویده و در عمق ۳ تا ۱۰ متر جریان می‌یابند. از نظر کشاورزی و زراعت آب رودخانه‌ها بر دشت سوار نمی‌شود. به همین علت آبادانی دشت میناب در دوره تاریخی و اسلامی با احداث سازه‌های آبی مقدور شده است. با عقب نشینی دریا و رسوب گذاری حاصل از این پسروی در انتهای رودخانه‌ها خورهایی شکل گرفته است که مهم‌ترین عامل تجارت دریایی بوده و هستند.

به علت سستی خاک دشت و حالت طغیانی رودخانه‌ها در فصول پرباران، مسیر رودها در دشت تغییر می‌یافته است و این تغییرات بر دینامیسم سازه‌های آبی و شکل‌گیری الگوهای استقراری مؤثر بوده است. به همین علت تداوم دوره‌های استقراری را در بعضی از محوطه‌های باستانی مشاهده نمی‌کنیم. مهم‌ترین عامل تداوم استقرار در مناطق خشک، وجود راه‌های ارتباطی و به دور بودن از خطرات سیلابی است. بر اثر فعالیت جریان‌های سیلابی پهنه دشت میناب مرتباً بر اثر تغییر مسیل سیلاب‌ها بریده-بریده شده است. در بین بریدگی‌ها، سطوحی شکل می‌گیرند که از بستر مسیل‌ها چند متری بلندتر‌اند. نظر به پهناوری این سکوها (پلات‌فرم‌ها)، استقرارها در گذشته بر آنها صورت گرفته‌اند.

از شاخصه‌های مورفولوژیکی میناب می‌توان به موارد

زیر اشاره کرد:

هرچه از دامنه‌ها به سمت ساحل پیش می‌رویم بر میزان شوری خاک افزوده می‌شود و وسعت شوره‌زارها افزایش می‌یابد. در تصاویر هوایی، این مناطق به صورت دایره و بیضی‌های نامنظمی دیده می‌شوند که جریان آبی از شمال

به آنها وارد و از جنوب به سمت دریا کشیده می‌شده است.

این کفه‌ها که بر سطح‌شان به وفور صدف‌های دریایی را می‌توان مشاهده کرد، یادآور خورهای گذشته اند که در حال حاضر کیلومترها با دریا فاصله دارند. در سطح شرقی و یا غربی بعضی از این کفه‌ها (کفه چلو گاومیشی) هنوز هم می‌توان رد بارانداز را تشخیص داد. در کناره این کفه‌ها در گذشته مرداب‌هایی قرار داشته است که پوشیده از گیاهان مردابی بوده است و بومیان از برگ‌های آنها در ساخت حصیر استفاده می‌کرده اند. در زبان بومی به این گیاهان مردابی پیسکر Pisker می‌گویند. این کفه‌ها به علت وجود املاح نمکی، سفید رنگ اند و به خوبی نور خورشید را منعکس می‌کنند و دارای بستری خشک و سخت هستند و در نگاه نخست به شکل صحرا به نظر می‌رسند (دریو، ۱۳۷۴: ۳۰۴).

در بررسی‌های محیطی و همچنین مطالعه تصاویر هوایی برجستگی‌های خاکی کم‌ارتفاعی مشاهده می‌شود که به طور منقطع و در امتداد کیلومترها ادامه دارد. این چهره مورفولوژیکی خط ساحلی را در گذشته تداعی می‌کند. در پهنه دشت و با فاصله از هم، سه پشته ساحلی قابل تشخیص است که بر اثر پسروی دریای عمان حاصل شده اند. در امتداد این پشته‌ها نظیر سواحل کفه‌های نمکی، سفال‌های پراکنده ای مشهود است. ارتفاع این پشته‌ها متفاوت است؛ پشته نزدیک‌تر به دریا ارتفاع کم‌تر و پشته نزدیک‌تر به دامنه، ارتفاع بیش‌تری دارد.

در تصاویر هوایی و بررسی‌های محیطی، برجستگی‌های نسبتاً بلندی مشاهده می‌شود که به گویش بومی به آنها تمپ می‌گویند. معدودی از این تپه‌ها بقایای صخره‌ای هستند که بر روی آنها سازه‌های معماری مشاهده می‌شود. این سازه‌ها که عمدتاً آجری هستند محل‌های مناسبی برای پخش آب به نقاط فرودست بوده اند.

تپه‌های دیگر تپه‌های باستانی هستند که بر پهنه وسیع سکوه‌های (پلات فرم‌ها) محصور بین مسیل‌ها مشاهده می‌شوند، نظیر «تمپ سرخ» با ارتفاع ۴ تا ۵ متر و ابعاد ۲۵۰ × ۳۰۰ متر در منطقه گورزانگ که حاصل انباشت بقایای استقراری گذشته است (Williamson, 1970).

تل‌ماسه‌هایی که در جنوب شرقی دشت به صورت تپه‌های بلند شنی مشاهده می‌شود، تپه‌هایی ماسه‌ای اند که در شمال غربی جوزان با جهت جنوب شرقی - شمال غربی با فواصل دور از هم تا ساحل حسن‌لنگی ادامه دارند. این تپه‌ها (تمپ) شامل سوهران، ارزنکار، چهار بن نخل (مغ)، و سرپشت هستند. ارتفاع آنها از ۱۰ تا ۲۰ متر است. به نقل از بومیان در دامنه بعضی از آنها سازه آبی (چاه سنگی) وجود دارد؛ نظیر دامنه غربی چار بن نخل.

پیشینه مطالعات باستان‌شناسی دشت میناب

مطالعات باستان‌شناسی دشت میناب را در چهار چوب بررسی‌های علمی و گمانه‌زنی‌های محدود، می‌توان به دو گروه فعالیت‌های باستان‌شناسان داخلی و باستان‌شناسان خارجی تقسیم کرد.

در زمستان سال‌های ۱۳۴۸، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ سه هیئت ایرانی به صورت جداگانه از طرف اداره کل باستان‌شناسی برای انجام پروژه «بررسی باستان‌شناسی استان ساحلی» به این مناطق اعزام شدند که آقایان یاسی، بابک، و شاملو در رأس هیئت‌های مجزا، مسئولیت این پروژه را بر عهده داشتند.

آقای یاسی در طی این سال‌ها همراه با آقایان احمد دربانی و حسین بختیاری، مناطقی را در اطراف بندر عباس و شهرستان میناب و جزیره هرمز مورد بررسی قرار داد و در همین پروژه برای نخستین بار جزایر ابوموسی و تنب بزرگ نیز توسط یک هیئت ایرانی مورد بررسی باستان‌شناسی قرار گرفت. وی در راستای شناسایی

محوطه‌های باستانی مناطق ساحلی به گمانه‌زنی در چند محوطه حائز اهمیت نیز پرداخت (یاسی، ۱۳۵۰: ۲). وی در حوزه بندر عباس به بررسی مناطق باستانی متعددی (عموماً متعلق به دوران اسلامی) پرداخته و در مناطقی مانند تپه سرخون و قبرستان حاجی‌آباد نیز به منظور شناسایی آثار متعلق به دوره ساسانی و قبل از آن گمانه‌زنی کرده است.

همزمان با بررسی‌های انجام شده توسط آقای یاسی و همکاران، بررسی باستان‌شناسی حوزه شهرستان میناب در بهمن ماه سال ۱۳۴۹ به سرپرستی آقای شاملو آغاز شد. همزمان با فعالیت هیئت‌های ایرانی، بررسی‌های سطحی باستان‌شناسی در این منطقه توسط موسسه ایران‌شناسی بریتانیا با همکاری اداره کل باستان‌شناسی توسط ویلیامسون در سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ انجام گرفت که در سال ۱۹۷۱ نیز تکمیل شد.

وی مطالعات خود را در سواحل خلیج فارس از جاسک تا نقطه‌ای در حوالی جزیره کیش در ناحیه سیراف و گاو بندی و جزایر کیش و هرمز صورت داده است و در نواحی داخلی فارس و کرمان، به‌خصوص در منطقه جیرفت و سیرجان و حوضه رود کر نیز به بررسی پرداخت. روی هم‌رفته وی توانست در ۴۹۰ منطقه تاریخی مربوط به دوره ساسانیان و دوره اسلامی در سواحل خلیج فارس و نواحی گرمسیری فارس و کرمان و ۳۷۰ نقطه تاریخی در نواحی سردسیر بررسی‌های خود را ادامه دهد. وی در بررسی‌های خود به معرفی ۷ گونه شاخص سفالی در این مناطق و مقایسه علمی آنها با گونه‌های مکشوفه از تپه یحیی و سیراف (متعلق به دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی) در راستای اهداف مطرحه خود پرداخت.

در بررسی‌های آندرو ویلیامسون در حوزه شهرستان میناب دو منطقه با آثار دوران ساسانی مورد شناسایی قرار گرفت. در منطقه میناب بررسی‌های گسترده‌ای نیز با هدف

شناخت و معرفی آثار متعلق به عصر پارینه‌سنگی توسط پروفیسور تیو در سال ۱۳۵۵ در منطقه میناب صورت گرفت. وی موفق شد آثاری از دوره پارینه‌سنگی را در این منطقه جمع‌آوری کند (نقشه ۱).

معرفی اجمالی محوطه‌های استقرار در نخستین فصل بررسی‌های باستان‌شناسی میناب (نقشه ۲)

محوطه دودو: محوطه شماره ۹۰۰۹۴۰۰۶

این محوطه در ضلع شرقی جاده آسفالت روستای دودو واقع است. بخش غربی محوطه در سمت چپ جاده، تماماً زیر کشت قرار دارد.

پراکندگی آثار به سمت شرق محوطه از گستردگی و تنوع بالایی برخوردار است، اما احداث یک جاده نوساز در شرق محوطه بخش بسیار مهمی از آن را تخریب کرده است. وجود سرباره‌های فلزی و سفالی به وفور و نشانه‌های سازه‌های کوره‌مانند در کنار هم، مبین وجود یک بخش صنعتی در این قسمت بوده است. در واقع این بخش از مهم‌ترین قسمت‌های این محوطه بزرگ است. در ضلع شمال شرق محوطه بقایای یک گورستان اسلامی واقع شده است. علی‌رغم تخریب‌های انجام‌شده، وسعت محوطه در وضعیت کنونی حدود ۲ هکتار برآورد می‌شود.

گونه‌های سفالی محوطه دودو عبارت اند از:

- سفال با لعاب سربی و نقاشی روی لعاب و زیر لعاب با رنگ سیاه، متعلق به سده‌های اولیه تا میانی؛

- سفال‌های با خمیره نخودی و نقوش هندسی قهوه‌ای بر روی پوشش، متعلق به سده‌های اولیه تا سلجوقی. هم‌چنین سفال منقوش سده‌های اولیه؛

- سفال‌های سیاه سبک سوم میناب: مربوط به اواخر دوره ایلخانی، دوره تیموری، و اوایل دوره صفوی با خمیره قهوه‌ای اخراپی و پوشش هم‌رنگ یا سیاه با شاموت ماسه؛

- سفال‌های معروف به آبی و سفید به تعداد نسبتاً زیاد در

دو گروه وارداتی و محلی مربوط به دوره صفوی. هم‌چنین سفال‌های گونه سلادون؛

– سفال‌های دوره قاجار و پهلوی شامل سفال‌های ساده بدون لعاب با خمیره نخودی دارای نقش‌کنده یا قالب‌زده سبک سده‌های اخیر میناب. هم‌چنین سفال‌های لعابدار با نقوش رنگارنگ در زیر لعاب؛

– سفال سبک دوم میناب: با خمیره آجری و پوشش سیاه و شاموت زیر سفید و لبه‌های ضخیم فرم‌دار یا لبه‌های مایل به بیرون مربوط به سده‌های میانی؛

– سفال‌های خمیره نخودی با شاموت ماسه و خرده‌سفال با نقش‌کنده موج و افقی به سبک سلجوقی تا ایلخانی.

(لوحة ۱، طرح ۱ تا ۵) و (لوحة ۲ – طرح ۶ تا ۹)

محوطه رخن‌آباد: محوطه شماره ۹۰۰۹۴۰۰۷

این محوطه در ضلع شرقی جاده دودو – رکن‌آباد شناسایی شد. بخش بزرگی از محوطه در شمال و شمال شرق محوطه به دلیل احداث کارخانه شن و ماسه کاملاً منهدم شده است. در حال حاضر وسعت محوطه را ۳۵ هکتار می‌توان تخمین زد.

از آنجا که اهالی بعد از بارش باران‌های تند در منطقه بعضاً قطعاتی از زیورآلات طلائی و تعدادی سکه طلا در منطقه یافته‌اند، به حفاری غیر مجاز در منطقه ترغیب شده‌اند. تا جایی که به دست آوردن کوزه‌های سفالی و قطعاتی از اشیای شیشه‌ای و یا بخش‌هایی از زیورآلات برای کودکان تفریح هر روزی ساکنان شده است. آثار سازه‌های متعدد و کوره‌های مختلف بر سطح محوطه قابل شناسایی است.

گونه‌های سفالی محوطه عبارت‌اند از:

– سفال با نقش قالب‌زده، سبک ساسانی تا سلجوقی با موتیف دانه‌مروریدی و شمشه؛

– سفال با لعاب سربی با نقاشی روی لعاب، سبک ساسانی

تا سده‌های اولیه؛

– سفال سبک سیاه سبک سوم میناب (سفال‌های سیاه گاه با نقوش اخراپی با شاموت سبز (لیف خرما) و ماسه؛

– سفال‌های غیر وارداتی سلادون مربوط به دوره صفوی؛

– سفال با لعاب سبز و نقوش سیاه روی لعاب مربوط به نیمه دوم دوره صفوی؛

– سفال‌های گونه آبی و سفید تماماً غیر وارداتی؛

– سفال‌های ساده قاجاری و دهه‌های اخیر.

(لوحة ۲ – طرح ۱۰ و ۱۱) و (لوحة ۳ – طرح ۱۲ تا ۱۵)

محوطه محمودی: محوطه شماره ۹۰۰۹۴۰۱۶

محوطه وسیع محمودی در ضلع شرقی جاده گورزانگ – نصیرایی واقع است که البته پراکندگی سفالی آن تا محدوده ضلع غربی جاده نیز کشیده شده است. این محوطه در بین روستای محمودی و نصیرایی قرار دارد.

در این محوطه پراکندگی سفال از سوی شمال و شرق با تراکم زیاد به سوی جنوب و غرب کشیده شده است. محدوده پراکندگی سفال‌ها را می‌توان در حدود ۳۰۰ متر (شرقی – غربی) $200 \times$ متر (شمالی – جنوبی) تخمین زد. در واقع استمرار استقرار در این محوطه را می‌توان در غالب روستاهای محمودی و نصیرایی در عصر امروز دید.

و فور سکه‌های متعدد، سازه‌های حرارتی بزرگ، و جوش کوره‌های سفالی و فلزی از ویژگی‌های جالب توجه در این محوطه باستانی است که حاکی از رونق زندگی در این محوطه است.

گونه‌های سفالی این محوطه عبارت‌اند از:

– سفال منقوش سبک سده‌های اولیه؛

– سفال با تکنیک نقاشی روی لعاب سرب به رنگ سبز یا قهوه‌ای یا سیاه به شیوه تزیین گل و گیاه اسلیمی مربوط به دوره سلجوقی؛

– سفال با خمیره آجری قهوه‌ای و پوشش قهوه‌ای با نقش

هندسی روی پوشش گلی به سبک سفال منقوش سده‌های اولیه اسلامی؛

- سفال سبک دوم میناب: خمیره قهوه‌ای یا سیاه با پوشش سیاه، نقش‌کنده موج روی بدنه با لبه فرم‌دار، مربوط به سده‌های میانی و اوایل دوره صفوی؛

- سفال ابی و سفید وارداتی؛

سفال با خمیره خاکستری و لعاب قهوه‌ای مربوط به حد فاصل دوره ایلخانی تا اوایل دوره صفوی؛

سفال‌های بدون لعاب به رنگ قهوه‌ای - نخودی متعلق به سده‌های میانی تا دوره صفوی.

(لوحة ۳ - طرح‌های ۱۶ تا ۲۲) و (لوحة ۴ - طرح‌های ۲۳ و ۲۴)

محوطه کش قلمان: محوطه شماره ۹۰۰۹۴۰۲۳

این محوطه درست برعکس محوطه‌های مذکور که در گذشته به بزرگ‌ترین منبع آب منطقه یعنی رودخانه میناب بسیار نزدیک بوده اند و حیات پررونق خود را وامدار آن هستند، در فاصله نسبتاً دوری از آب‌های جاری منطقه در محدوده‌ای خشک واقع است. محوطه در محدوده زمین‌های روستای کش قلمان (قلمان) در نزدیکی روستای کمیل (کمبیل) واقع است.

ویژگی خاص این محوطه نزدیکی نسبی آن به دریاست، به گونه‌ای که امروزه نیز داد و ستدهای محدود دریایی شغل اکثر مردان روستای کمبیل و کش قلمان است.

آب این منطقه تا چندی پیش از طریق چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق و یک شیوه بومی در جمع‌آوری آب تأمین می‌شده است. در این شیوه با کندن گودال‌های نسبتاً بزرگی با نام (کش) آب باران را که در زمستان و بهار به صورت محدود اما سیل‌آسا منطقه را در بر می‌گرفته، جمع‌آوری کرده و برای فصول گرم نگهداری می‌کردند. بدیهی است که این آب کیفیت بسیار پایینی داشته است. نخلستان‌های

منطقه بسیار محدود و کم‌حاصل اند.

محوطه درست بر سر جاده اصلی آسفالت‌های که از گرازوئیه به طرف جنوب می‌آید، قرار دارد. در واقع این جاده درست داخل عرصه محوطه احداث شده و آن را به دو بخش تقسیم کرده است. دو جاده فرعی کش قلمان و کمبیل نیز که از جاده اصلی منشعب می‌شوند بر عرصه محوطه احداث شده اند. با توجه به گونه‌شناسی سفال‌های پراکنده بر سطح محوطه، آثار محدود به جاده کش قلمان قدیمی‌تر و آثار موجود در دو سوی جاده کمبیل جدیدتر هستند.

بخش جنوب شرق محوطه با توجه به حجم زیاد جوش کوره‌های سفالگری و پراکندگی زیاد آجر خردشده و سازه‌های حرارتی، احتمالاً بخش صنعتی محوطه را تشکیل می‌داده که قسمت اعظم آن طی عملیات خاک‌برداری کاملاً تسطیح شده است. وسعت این محوطه در حدود ۵۵۰۰۰ متر مربع است.

گونه‌های سفالی این محوطه عبارت اند از:

- تعداد محدودی سفال با لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای و نقش قالب‌زده نخل به سبک ساسانی؛

- تعداد محدودی سفال با خمیره خاکستری و پوشش قهوه‌ای به سبک سفال اشکانی و ساسانی؛

- یک قطعه سفال فیروزه‌ای با نقش سیاه زیر لعاب دوره سلجوقی؛

- سفال سبک سیاه سبک اول میناب، مربوط به سده‌های اولیه و میانی اسلامی.

(لوحة ۴، طرح‌های ۲۵ و ۲۶)

محوطه شماره ۹۰۰۹۴۰۲۵

این محوطه بر سر جاده اصلی زهوی - جاسک، مقابل مقر پلیس راه واقع است. البته این محوطه بسیار محدود به نظر می‌رسد و در حدود ۲۸۰۰۰ متر مربع مساحت دارد که

احتمال قرارگیری بخش اعظم آن در زیر جاده اصلی مطرح است. در واقع بخش باقی مانده فقط می تواند موقعیت محوطه را به ما معرفی کند و عرصه اصلی محوطه کاملاً تخریب شده است. عبور رودخانه های فصلی شور و کولغ کلم از نزدیک محوطه از ویژگی های موضع نگاری این محوطه می باشد. از یافته های سفالی این محوطه می توان به سفال های سیاه سبک اول، دوم، و سوم میناب اشاره کرد که بازه زمانی سده های اولیه تا دوره صفوی را در بر می گیرد. (لوحة ۴ - طرح ۲۷)

محوطه استقراری گبران: محوطه شماره ۹۰۰۹۴۰۲۷

این محوطه در جنوب روستای گبران و جنوب گورستان هزاره اول گبران در محدوده روستای گبران واقع است. این محوطه در میان تپه ماهورهای بایر و در ضلع جنوبی رودخانه فصلی و جاده خاکی روستای گبران واقع است و بخش اصلی آن با پراکندگی سفالی زیاد در ضلع شمالی به رودخانه محدود می شود. وسعت محوطه حدود ۱۰ هکتار تخمین زده می شود.

اهالی روستا به نقل از پدران شان بازگو می کنند که در گذشته آب منطقه شیرین بوده است و در منطقه انجیر پرورش می داده اند اما سال هاست که آب شور شده و چاه های نیمه عمیق در مواردی آب اهالی روستا را تأمین کرده است.

نکته حائز اهمیت درباره این محوطه نزدیکی آن به دو گورستان مهم پیش از تاریخی در منطقه است. با وجود آنکه محل استقرارهای متعلق به این گورستان ها هنوز مشخص نیست اما وجود این دو گورستان بزرگ پیش از تاریخی و این محوطه استقرار، مبین استمرار استقرارهای بزرگ و گسترده از ادوار پیش از تاریخ تا به امروز در این منطقه است.

اهالی روستا بر این باور اند که سعدی در قرن هفتم

هجری در یکی از سفرهایش از منطقه آنها دیدن کرده است و شب را در گبران گذرانده است.

امروزه با توجه به دسترسی محدود به منابع آب شیرین، باغداری و کشاورزی تقریباً از بین رفته است و پوشش گیاهی منطقه بسیار تنک است و فقط در مواردی محدود درختان کنار با سایه های گسترده پذیرای رهگذران هستند.

گونه های سفالی این محوطه عبارت اند از:

- سفال با لعاب سرب و نقاشی زیر لعاب به سبک سلجوقی؛

- سفال با لعاب فیروزه ای و نقوش سیاه روی لعاب به سبک سلجوقی؛

- سفال با نقش قالب زده دانه مرواریدی متعلق به سده های اولیه تا دوره سلجوقی؛

- سفال های سیاه سبک اول میناب؛

- سفال های خمیره آجری با پوشش تک رنگ فیروزه ای متعلق به سده های میانه؛

- سفال سبک آبی و سفید صفوی.

(لوحة ۴ ع طرح ۲۸ و ۲۹) و (لوحة ۵ - طرح های ۳۰ تا ۳۵)

محوطه دباغ ریگ: محوطه شماره ۹۰۰۹۴۰۲۹

این محوطه در روستای دباغ ریگ در محدوده گورستان روستا قرار دارد. در واقع می توان چنین برداشت کرد که با جابه جایی روستای قدیم دباغ ریگ از موقعیت این محوطه به مکان فعلی، گورستان روی بخش قدیم روستا که محوطه ۹۰۰۹۴۰۲۹ است، ایجاد شده است. البته این گورستان قدمت زیادی ندارد و متعلق به اوایل دوره قاجار است. وجود گورهایی با پوشش آجرچین به ابعاد ۵×۲۰ سانتی متر به رنگ آجری تیره و قبور دورچین شده با سنگ های سفید تقریباً به شکل بیضی و دایره که در مرکز با

سنگ‌های قرمز و سبز پوشیده شده اند از ویژگی‌های این گورستان است. بخش جدیدتر این گورستان در شمال این قبور ایجاد شده است. در واقع محوطه‌های استقرار، دائماً در حال پیشروی به سمت شمال هستند و گورستان نیز همین‌طور. وسعت محوطه در حدود ۲۶۰۰۰ متر مربع است.

ویژگی قابل توجه این محوطه نزدیکی آن به ساحل رودخانه‌های منطقه به نام رودخانه جومحله است. این رودخانه که منشأ حیات در این منطقه به حساب می‌آید، در گذشته بسیار پرآب و گسترده بوده است.

محوطه بسیار مهم جوزان متعلق به دوران اسلامی نیز در محدوده آبگیر این رودخانه واقع است. در گذشته آب روستای دباغ‌ریگ از همین رودخانه تأمین می‌شده و فراوانی آب بدان حد بوده است که تا پنجاه سال پیش، اهالی برای تأمین آب نیازی به احداث چاه نداشته اند.

با توجه به توضیحات بالا می‌توان جابه‌جایی محوطه‌های استقرار را تحت تأثیر تغییر مسیرهای گاه‌گاه این رودخانه دانست.

گونه‌های سفالی محوطه دباغ‌ریگ عبارت اند از:

- سفال‌های با خمیره و پوشش قهوه‌ای صیقلی - داغدار سبک اشکانی - ساسانی؛

- سفال با لعاب فیروزه‌ای یکرنگ سبک اشکانی - ساسانی و سده‌های اولیه؛

- سفال منقوش سده‌های اولیه؛

- سفال آبی با نقاشی سیاه زیر لعاب دوره سلجوقی؛

- سفال سیاه سبک اول میناب؛

- سفال سیاه سبک سوم میناب؛

- سفال منقوش سبک اول میناب مربوط به سده‌های اولیه و میانی؛

- تعداد محدودی سلاادون، یک قطعه وارداتی و یک قطعه تقلیدی مربوط به دوره صفوی؛

- سفال‌های ساده بدون لعاب دهه‌های اخیر.

(لوحة ۵ - طرح‌های ۳۶ و ۳۷)

محوطه چهارکار: محوطه شماره ۹۰۰۹۴۰۳۰

این محوطه نیز در محدوده روستای چهارکار در زمین‌های متعلق به گورستان و زیارت خضر واقع است. محوطه بسیار محدود و بیانگر وجود یک استقرار کوچک روستایی است که وسعت آن در حدود ۹۰۰۰ متر مربع تخمین زده می‌شود. فاصله زیاد از ساحل و منابع آب شیرین از جمله رودخانه جومحله فرصت ایجاد استقرارهای وسیع و گسترده را سلب کرده است. گورستان روستا بخش‌های مهم محوطه را از بین برده است و ایجاد ساخت‌وسازهای جدید زیارت خضر نیز چهره محوطه را دگرگون ساخته است. یگانه عنصر کهن متعلق به زیارتگاه، درخت کهور کهنسال زیارتگاه است که به علت خشکسالی در حال نابودی است.

گونه‌های سفالی این محوطه عبارت اند از:

- سفال با خمیره آجری - قهوه‌ای و پوشش لعاب گلی سبک اشکانی دشت میناب؛

- سفال با خمیره قهوه‌ای - آجری و لعاب سیاه سبک اشکانی - ساسانی؛

- سفال با لعاب تکرنگ فیروزه‌ای سبک اشکانی - ساسانی؛

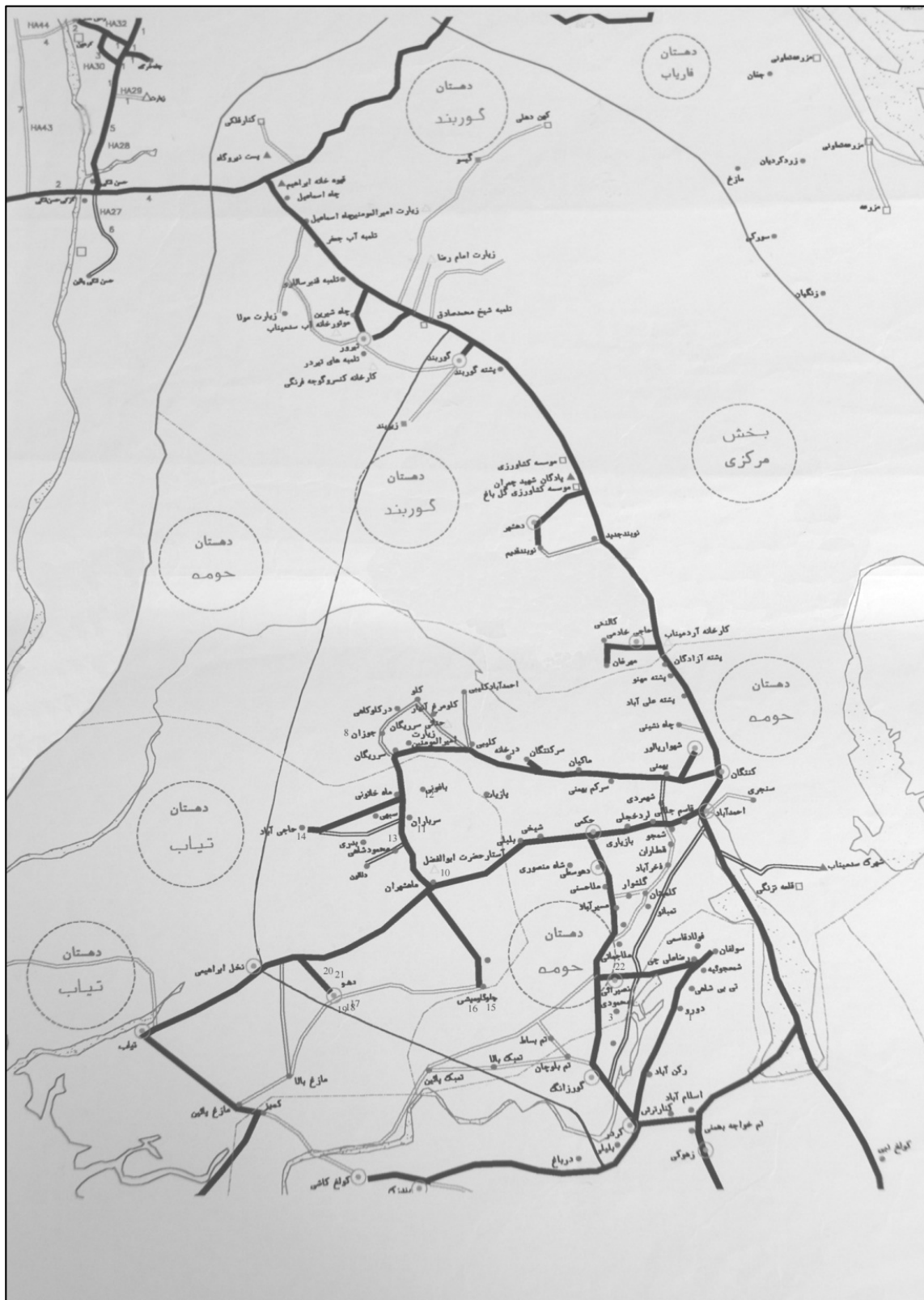
- سفال لعابدار با لعاب سربی و نقاشی زیر لعاب سده‌های اولیه و میانی اسلامی؛

- سفال سیاه سبک سوم میناب؛

- چند قطعه سلاادون وارداتی؛

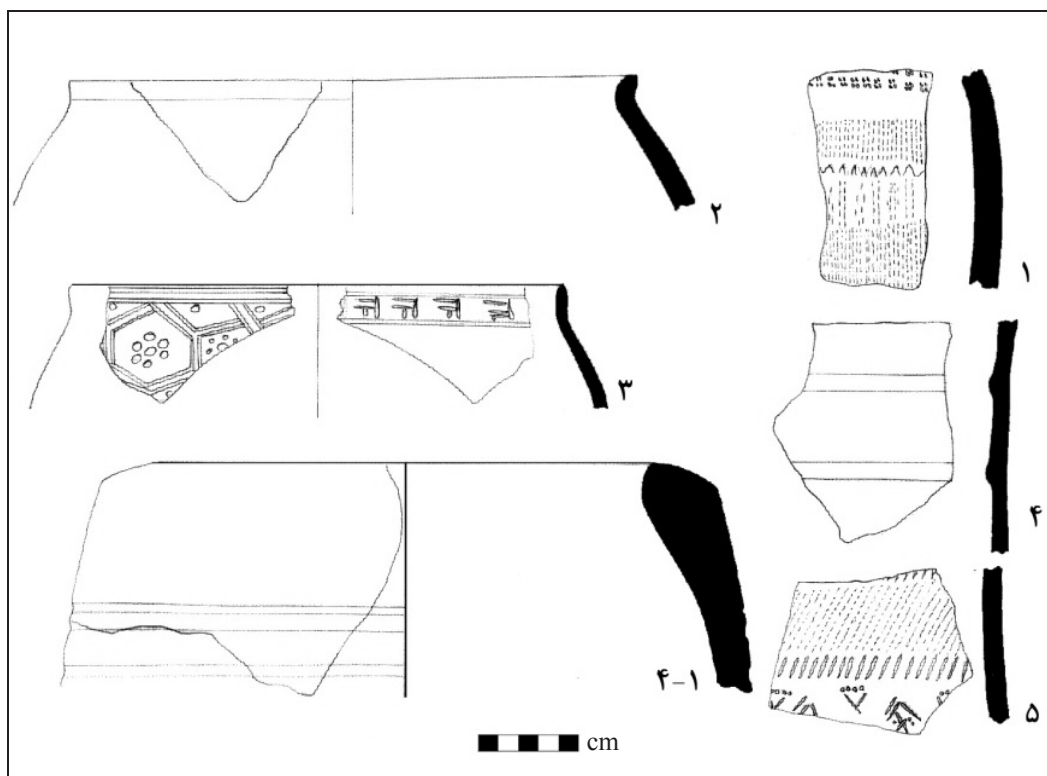
- سفال‌های ساده سده اخیر.

(ادامه دارد)

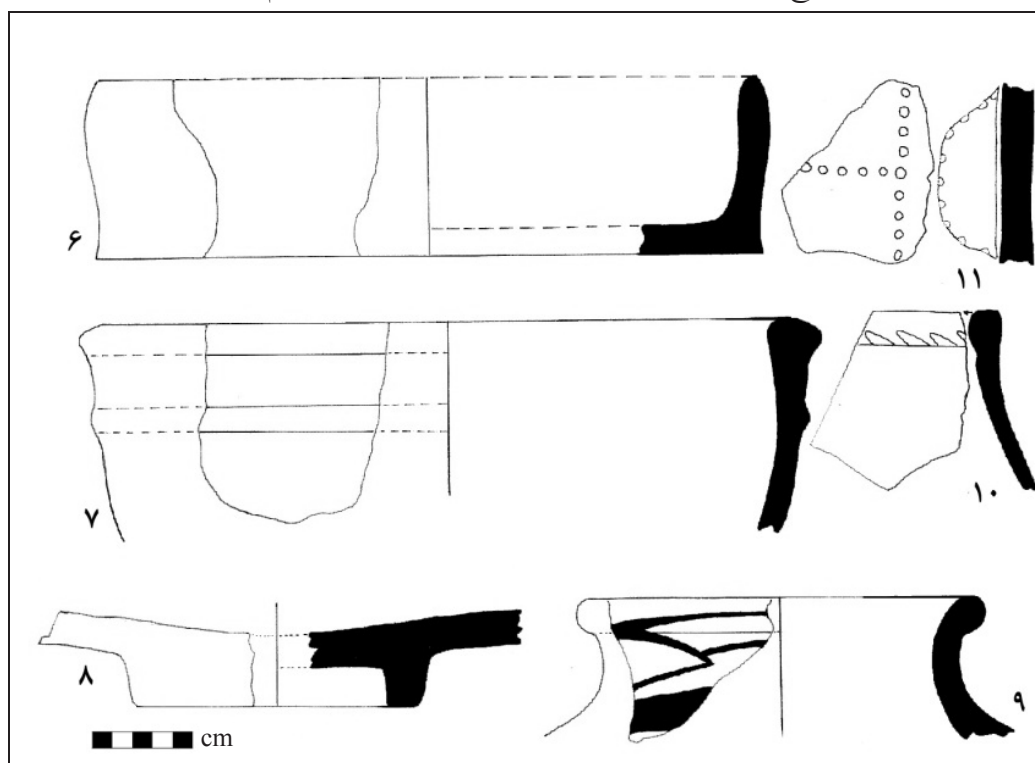


نقشه ۱. نقشه پراکندگی آثار شناسایی شده دوره اسلامی دشت میناب، در فاز نخست بررسی و شناسایی و مختصات موقعیت محوطه‌ها بر مبنای اطلاعات GPS (بخش ۱) (ترسیم: نگارندگان).

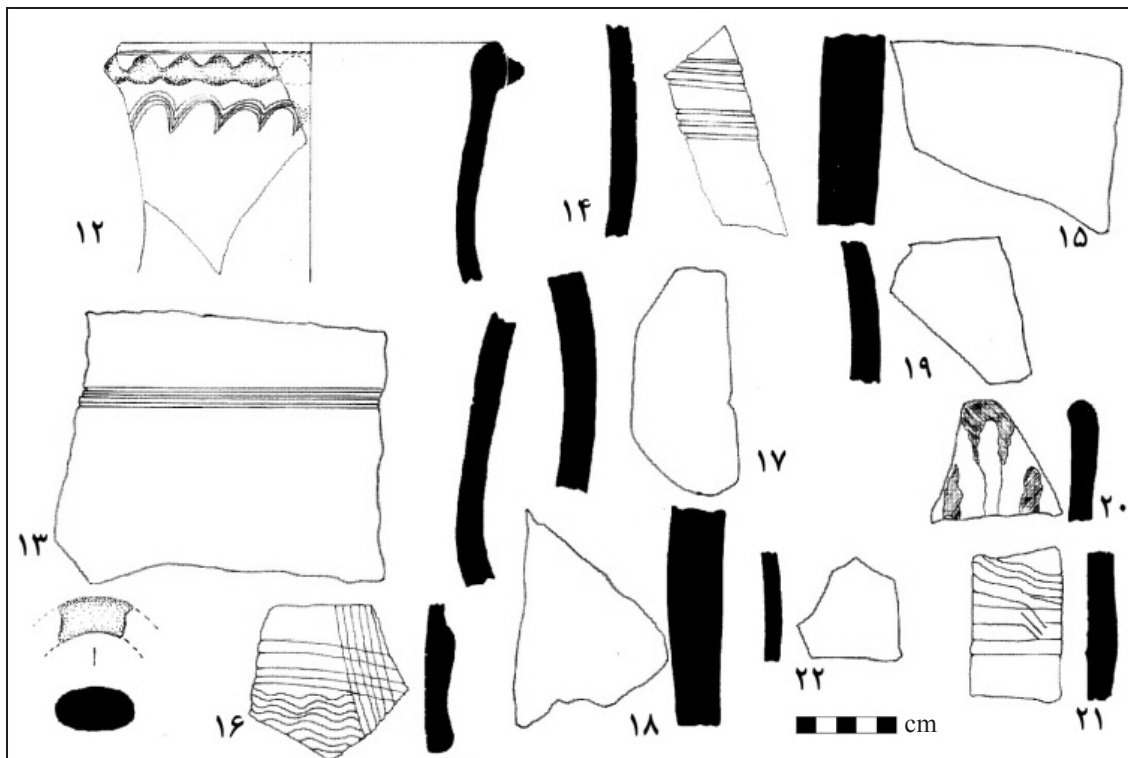
| مقیاس | مکان | کف | قطر دهانه کف | خمیره | شاموت | پخت | ساخت | نوع تزئین | رنگ تزئین | رنگ پوشش درونی | رنگ پوشش بیرونی | رنگ خمیره | دیف |
|-------|------|----|--------------|-----------|------------|-------|------|------------|-----------|----------------|-----------------|-----------|-----|
| 1/1 | 1004 | - | - | ظریف نرم | ماسه نرم | کامل | جرخ | قالب زده | - | نخودی | نخودی | آجری | 1 |
| 1/1 | 1004 | - | - | تیمه ظریف | ماسه نرم | کامل | جرخ | - | - | نخودی | نخودی | آجری | 2 |
| 1/1 | 1004 | - | - | ظریف | کائولن | کامل | جرخ | زیر لایه | آبی | سفید | سفید | آجری | 3 |
| 1/1 | 1004 | - | - | ظریف | ماسه نرم | ناقص | جرخ | - | - | نخودی | نخودی | آجری | 4 |
| 1/1 | 1004 | 0 | 0 | تیمه ظریف | ماسه و کاد | کامل | جرخ | قالب زده | - | - | - | نخودی | 5 |
| 1/1 | 1004 | - | - | تیمه ظریف | ماسه نرم | کامل | جرخ | - | - | - | - | نخودی | 6 |
| 1/1 | 1004 | - | - | ظریف | ماسه زبر | کامل | جرخ | - | - | قهوه ای | قهوه ای | نخودی | 7 |
| 1/1 | 1004 | - | - | تیمه ظریف | ماسه نرم | کامل | جرخ | لایه فلزی | کبود | آبی سبز | آبی سبز | آجری | 8 |
| 1/1 | 1004 | - | - | تیمه ظریف | ماسه نرم | مناسب | جرخ | قالب زده | - | خاکستری | خاکستری | نخودی | 9 |
| 1/1 | 1010 | - | - | ظریف | ماسه نرم | کامل | جرخ | کده | - | سیاه | سیاه | سیاه | 10 |
| 1/1 | 1010 | - | - | ظریف | سبز | کامل | جرخ | کده | - | سیاه | سیاه | سیاه | 11 |
| 1/1 | 1010 | - | - | ظریف | ماسه زبر | کامل | جرخ | افزوده کده | - | سیاه | سیاه | سیاه | 12 |
| 1/1 | 1010 | - | - | ظریف | ماسه و کاد | کامل | جرخ | کده | - | سیاه | سیاه | سیاه | 13 |
| 1/1 | 1010 | - | - | ظریف | ماسه و کاد | کامل | جرخ | کده | - | نخودی | نخودی | نخودی | 14 |
| 1/1 | 1010 | - | - | ظریف | ماسه بادی | کامل | جرخ | نورجسته | - | نخودی | نخودی | نخودی | 15 |
| 1/1 | 1010 | - | - | ظریف | ماسه بادی | کامل | جرخ | کده | - | // | // | نخودی | 16 |
| 1/1 | 1021 | - | - | ظریف | ماسه نرم | مناسب | جرخ | کده | - | - | - | آجری | 17 |
| 1/1 | 1021 | - | - | ظریف | ماسه | ناقص | جرخ | - | - | - | - | قهوه ای | 18 |
| 1/1 | 1021 | - | - | ظریف | ماسه | مناسب | جرخ | - | - | - | - | نخودی | 19 |
| 1/1 | 1021 | - | - | ظریف | ماسه | کامل | جرخ | هندسی | سیاه | آبی | آبی | نخودی | 20 |
| 1/1 | 1021 | - | - | ظریف | ماسه | کامل | جرخ | کده | - | آجری | آجری | آجری | 21 |
| 1/1 | 1021 | - | - | ظریف | ماسه | کامل | جرخ | کده | - | نخودی | نخودی | نخودی | 22 |
| 1/1 | 1021 | - | - | ظریف | ماسه | ناقص | جرخ | - | - | نخودی | نخودی | نخودی | 23 |
| 1/1 | 1021 | - | - | ظریف | ماسه نرم | کامل | جرخ | - | - | - | - | خاکستری | 24 |
| 1/1 | 1021 | 8 | 10 | ظریف | ماسه نرم | کامل | جرخ | افزوده | - | نخودی | نخودی | آجری | 25 |
| 1/1 | 1021 | - | - | ظریف | ماسه | کامل | جرخ | کده | - | سبز | سبز | سفید | 26 |
| 1/1 | 1027 | - | - | ظریف | خاک جینی | کامل | جرخ | کده | - | نخودی | نخودی | نخودی | 27 |
| 1/1 | 1028 | - | - | ظریف | کاد و ماسه | کامل | جرخ | کده | - | - | - | سیاه | 28 |
| 1/1 | 1028 | - | - | ظریف | خاک جینی | کامل | جرخ | مقوئل | سبز تیره | سبز | سبز | سفید | 29 |
| 1/1 | 1028 | - | - | ظریف | تیمه ظریف | کامل | جرخ | گواهی | آبی | سفید | سفید | سفید | 30 |
| 1/1 | 1028 | - | - | ظریف | خاک جینی | کامل | جرخ | هندسی | // | // | // | // | 31 |
| 1/1 | 1028 | - | - | ظریف | خاک جینی | کامل | جرخ | هندسی | آبی | سفید | سفید | سفید | 32 |
| 1/1 | 1028 | - | - | ظریف | خاک جینی | کامل | جرخ | نورای | زرشکی | قهوه ای | قهوه ای | آجری | 33 |
| 1/1 | 1028 | - | - | ظریف | ماسه | ناقص | جرخ | - | - | سبز | سبز | خاکستری | 34 |
| 1/1 | 1028 | - | - | ظریف | خاک جینی | کامل | جرخ | هندسی | سیاه | سبز | سبز | نخودی | 35 |



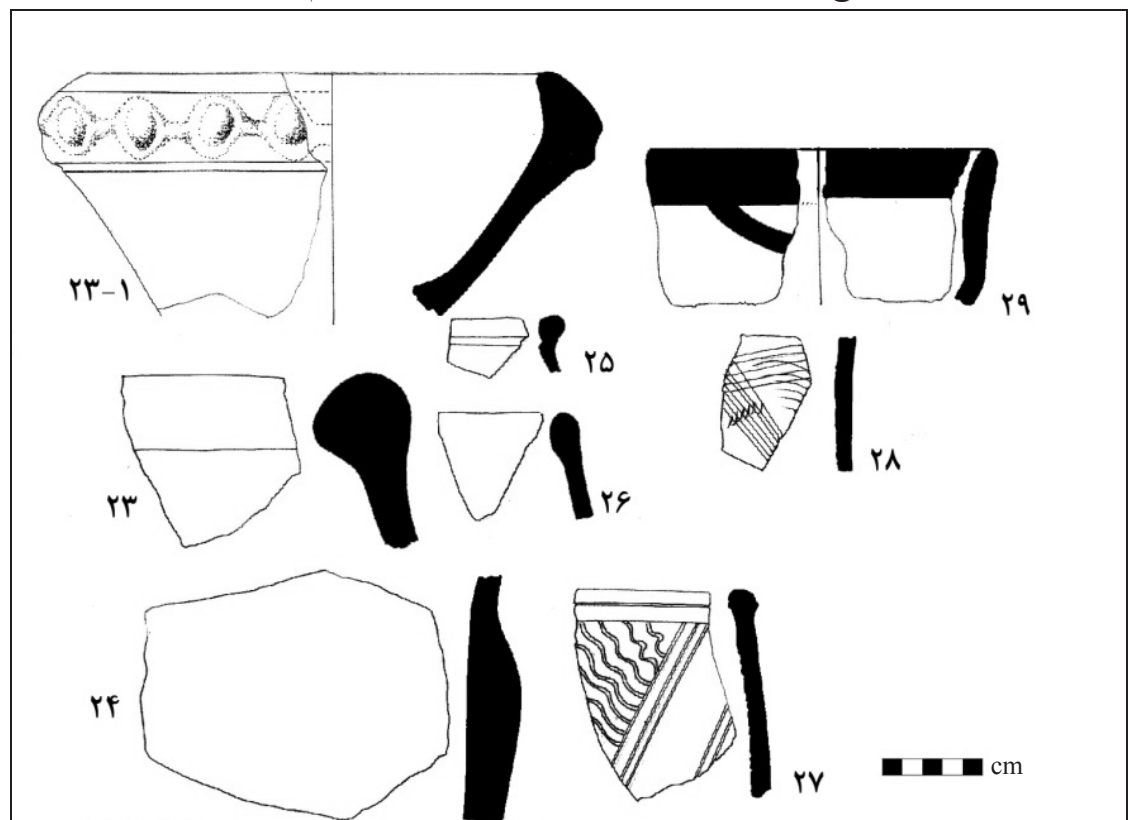
لوحة ۱. طرح سفال‌های شاخص دوره اسلامی، دشت میناب (ترسیم: نگارندگان).



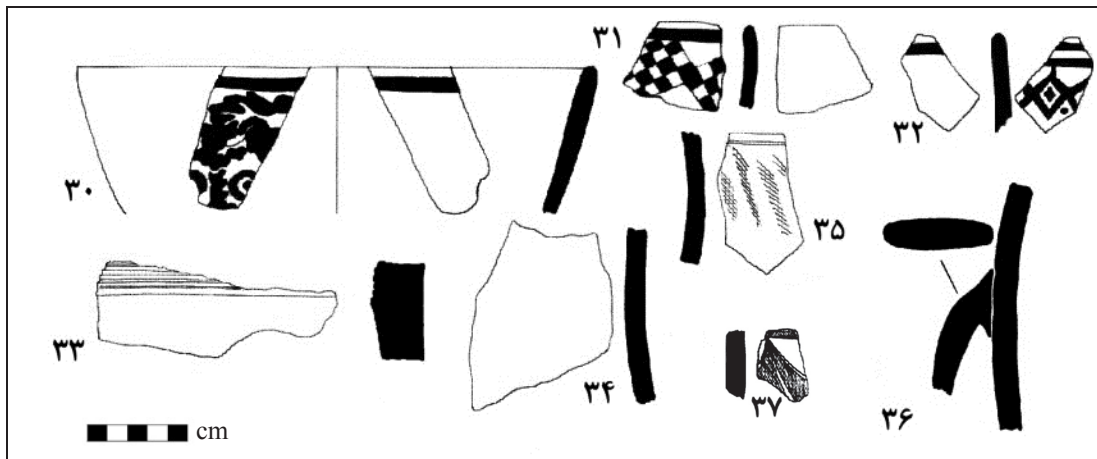
لوحة ۲. طرح سفال‌های شاخص دوره اسلامی، دشت میناب (ترسیم: نگارندگان).



لوحة ۳. طرح سفال‌های شاخص دوره اسلامی، دشت میناب (ترسیم: نگارندگان).



لوحة ۴. طرح سفال‌های شاخص دوره اسلامی، دشت میناب (ترسیم: نگارندگان).



لوحة ۵. طرح سفالهای شاخص دوره اسلامی، دشت میناب (ترسیم: نگارندگان).

پانوشتها

۱. مینا: (میناء): سرلنگر کشتی. بندر و لنگرگاه کشتی. حوضچه ساحلی بندرها (خور)، نک لغت نامه دهخدا، ذیل «مو».

منابع

- نوایی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی ایران در دوره صفوی. تهران: سمت، ۱۳۸۱.
- ویلیامسون، آندریو. تجارت در خلیج فارس در دوره ساسانیان و در قرون اول و دوم هجری (ضمیمه مجله باستان‌شناسی و هنر ایران). تهران: مرکز باستان‌شناسی، ۱۳۵۰.
- Mc Call, G.J.H. Explanatory Text Of The Minab Quadrangle Map 1:250000 Geological Survey Of Iran, 1985.
- Williamson, Andrew. "Archaeological Survey Of Islamic Sites In Southern Iran". in *Journal Of The British Institute Of Persian Studies*, Vol. VII, 1969- 70.

- بارتولد، واسیلی ولادیمیرویچ. جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه حمزه سردادور. تهران: چاپخانه اتحاد، ۱۳۰۸.
- دریو، ماکس. مبانی ژئومورفولوژی اشکال ناهمواری‌های زمین. ترجمه ... خیام و ... مقصود. تبریز: نیکام، ۱۳۷۴.
- لسترنج، گای. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.